درمکتب امام

یک قدم عقب بنشینید، ظالم جلو می‌آید

هرچه بیشتر ما خضوع بکنیم برای ظالم، ظالم بیشتر فشار می‌آورد. وقتی که مهیا بشویم برای جلوگیری از ظالم، ظالم عقب می‌نشیند. هرچه زیادتر فشار بیاورید، او عقب‌تر می‌نشیند. یک قدم شما که عقب بنشینید، او جلو می‌آید. یک قدم شما جلو بروید، او عقب می‌رود. این سنت الهی است، و مطلبی بود که با تجربه، خودِ شما ثابت کردید.

صحیفه امام؛ ج۱۰؛ ص۱۳۱ | قم؛ ۴ مهر ۱۳۵۸

مقاله وارده

غدیر تا عاشورا

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

غدیر به عنوان عید ولایت و امامت، همواره موسم جشن و سرور شیعیان و ماه محرم، فصل جوشش اشک و آه و شور حسینی بوده است.

در این یکی، چشمها خنکای ابتهاج و خوشی را تجربه می‌کنند و در آن دیگری، حرارتِ گریه و تفت ماتم را می‌چشند. در این، آفتابِ گرم شور و شعف می‌درخشد و در آن، ماهتابِ سردِ سوگ و اندوه می‌دمد. این، آیینِ نصبِ گوهر ولایت بر تاج «کَرّمنا» است و آن، واقعه افتادنِ نگین از خاتمِ پیامبر مهربانی.

عاشقان خاندان رسالت که با گذر از عید غدیر، در فراروی خود عاشورا را می‌بینند، دل شکسته و غمین می‌پرسند چرا فاصله این دو مناسبت چنین کوتاه است؟ چرا هنوز که حلاوت نام زیبای علی(ع) در کام جان‌ها باقی است، به یکباره باید غم حسین(ع) و تلخی عهدشکنی کوفیان را مرور کنیم و بر رسم مهمان نوازی آن رجّالگان ناجوانمرد دریغ خوریم؟

راستی چرا عیدمان زود عزا می‌شود و چرا امتداد غدیر به عاشورا می‌رسد؟ چرا ندای هَل مِن مُعین سیدالشهدا علیه‌السلام بی‌پاسخ ماند؟ چرا مظلومیت و غربت حسین(ع) بر دل‌های سخت‌تر از خاره اثر نکرد؟ و چرا ولایت اینچنین غریب و تنها رها شد؟ غدیر تا عاشورا چقدر غمبار و اندوه‌گستر است و کاروان آن شاه کم سپاه، چه غریبانه به دشت کربلا می‌رسد!

در همین چند گام فاصله غدیر تا عاشورا اما شورهزاری به پهنای هستی و سرابی به عمق بی‌حمیّتی، رذالت و فرومایگی جا گرفته است. چگونه می‌توان تصور کرد، بیعت محکمی که از جمع یکصد و بیست هزار نفری مسلمانان در محضر پیامبر خدا ستانده شد و بر آن، اتمام حجت‌ها گردید و شکنندگان آن لعن و نفرین شدند، به سرنوشتی اینچنینی مبتلا گردد؟

چه پاسخی خواهند داشت آنان که پیمان مقدس رسول خدا را شکستند و زیر پا نهادند؟ چشم‌های شاهد بر بالا رفتن دست امیرالمؤمنین(ع) در سرزمین جُحفه، بر قطع شدن و افتادن دستان فرزندش در دشت نینوا فرو بسته شد و پنجه‌های گشوده برای بیعت، در کربلا قبضه شمشیر را فشرد. خدایا این قوم پست چه زود از وصیت پیامبر رحمت سر باز زدند و مزد رسالت را با ریختن خون فرزندانش دادند. صفوف انبوه باطل را آراستند و حقیقت را پاره پاره کرده بر سر نی نهادند و آتش عطش را با لبه شمشیر، خاموش نمودند.

آه چه روزهای تیره و تاری در میان «امید غدیر» و «حسرت عاشورا» برقرار بود. چرا کسی به یاری حسین نشتافت و به ندایش لبیک نگفت؟! راستی در این جهان پرتزویر و نفاق، چه دستاورد گران و طاقت سوزی است عزت و شرافت- و -فضیلت و کرامت! گویی بهائی جز خون و گذشتن از جان نداشته و ندارد.

... تا اینکه آن روز فرا رسید؛ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴.

ایرانِ دلداده ولایت، درکارِ تدارک عید غدیر بود که به ناگاه وحشیانه و ناجوانمردانه مورد حملهِ قرار گرفت. دشمن صهیونیستی به هدف نابودی کشور صاحب الزمان أرواحُنا فِداه، چون دُملی متعفن از پیله‌گاه خود بیرون جهیده بود و به قذارت و نجاست وجود خویش، قصد آلودن قلمرو پاکان را داشت... تاریخ اما این بار می‌خواست از نو نوشته شود! این بار برهوت خشک و عریان در برزخ غدیر تا عاشورا، سرشار از گلواژه‌های جوانمردی و غیرت و شجاعت شد و چون همیشه، ملت ایران از آزمونی سترگ سربلند بیرون آمد. این بار...

این ما بودیم که حسین(ع) را تنها نگذاشتیم و به ندای هَل مِن مُعین او پاسخ گفتیم.

این ما بودیم که در آستانه عاشورا و با اقتدا به سالار شهیدان، تیغ شرافت آختیم. آنگاه دشمن رذل را منکوب و در ارتکاب جسارتش منفعل نمودیم.

این ما بودیم که در فترت بین غدیر تا عاشورا، ریشه در غدیر گستردیم و ثمر در عاشورا آوردیم.

این ما بودیم که در اوج تحریم‌ها و در آشوب اتحاد جهان کفر و نفاق، بار دیگر قدرت ایمان و طعم حقارت و زبونی را به دشمن چشاندیم.

این ما بودیم که صفوف احزاب دشمن را با ذوالفقار اسدالله الغالب در هم شکستیم.

این ما بودیم که برق موشک‌هایمان چشمان تنگ نظر دشمن را کور و غرّش پهپادهایمان گوش پر از آواز مستی وی را کر نمود.

این ما بودیم که در دوازده روز پرافتخار، هر روز دشمنِ غلط کرده را به ورطه نیستی نزدیک‌تر ساختیم.

این ما بودیم که اجازه خدشه بر شکوه غرور خود را به دشمن فرومایه ندادیم.

این ما بودیم که در برابر ددمنشی و افسارگسیختگیِ صهیونیسم بین‌الملل، هیبت سلاح خود را چون میل آتشین در چشم بی‌حیا و پلیدش فرو کردیم.

این ما بودیم که پس از هشتاد سال نکبت و ننگ، از بیت عنکبوتِ گنبد آهنین گذشتیم و اختیار آسمان رژیم جعلی را به دست گرفتیم.

این ما بودیم که تل‌آویو و حیفا را شخمِ زده و بذر مرگ پراکندیم.

این ما بودیم که صهیونیسم متفرعن و گنده دماغ را بیچاره کردیم.

این ما بودیم که شهد پیروزی را از جام اقتدار سرکشیدیم و شرنگ مهانت و ذلّت را به دشمن چشانیدیم.

این ما بودیم که با ابّهت خود، ترامپ این خودشیفته نوآموز دبستانی را به چوب و فلک عقوبت بستیم.

این ما بودیم که تازیانه کیفر الهی شدیم و بر پیکر نظام بغی و ظلم فرود آمدیم.

این ما بودیم که خواب رهبران جلف و سبک مغز سه کشور اروپایی را با رزم جانانه خود آشفتیم.

این ما بودیم که دل‌های سوخته مظلومان را شفا بخشیدیم و در قلب ملت‌ها منزل گزیدیم.

و این ما هستیم که پس از تنبیه صهیونیسم نگون بخت، اینک آزادگان جهان به پرچم زیبا و تصویر رهبر هوشمندمان تبرّک می‌جویند.

* * *

از ویژگی‌های شگفت ما این است که دشمن روبه‌رویمان در مصاف، همیشه انباشته از صفات زشت و نفرت‌انگیز بوده است. صفاتی ننگین و پلشت که مانند باتلاقی از ضریع و غِسلین، وجود آلوده و مشئوم او را احاطه نموده است. این نام‌ها را یک بار مرور کنید: معاویه، یزید، ابن زیاد، عمرسعد، شمر، حرمله... با دیدن این اسم‌ها چه حالی به شما دست می‌دهد؟ با کدام واژگان می‌توانید خشم و نفرت خود را نسبت به این کلمات سراسر نحوست بیان کنید؟ حال بار دیگر بر این اسم‌ها گذر کنید: ترامپ، نتانیاهو... آیا در همان فضا قرار نگرفتید؟ آیا به نظر شما این نام‌ها مترادف نخوت، استکبار، جنایت، وحشی‌گری، خونخواری، کودک کشی و دیگر رذائل شیطانی نیست؟

از همان روزی که رسول خدا به امیرالمؤمنین فرمود شقی‌ترینِ افراد، محاسن تو را از خون سر رنگین خواهد کرد، چنین سنّتی بین برگزیدگان امّت رواج یافت که همواره آرزو می‌کردند خداوند به دست بدترین و شقی‌ترین افراد، شهادت را روزی‌شان کند که نمونه زیر یکی از آنهاست:

پس از واقعه کربلا، عبیدالله بن زیاد در مسجد کوفه بر منبر رفت و با الفاظ زشت و ناروایی که سزاوار خودش بود به امام حسین علیه‌السلام و خاندان رسالت جسارت کرد. مردم کوفه از ترس شمشیرهای برهنه مأموران، گنگ و مبهوت تنها، نظاره‌کننده بودند. ناگهان عبدالله بن عفیف ازدی از یاران امیرالمؤمنین(ع) که چشمان خود را در جنگ‌های جمل و صفین از دست داده بود برخاست و چون شیری شرزه خروش برآورد و پاسخ اراجیف آن شقیّ الی الابد را داد.

ابن زیاد چون مار زخم خورده امر به دستگیری عبدالله نمود. اما مأموران به علت حمایت قبیله ازد از عبدالله نتوانستند او را در مسجد دستگیر کنند. از این روی ساعاتی بعد عده‌ای مسلح به خانه او یورش برده و پس از نبردی سخت و ناجوانمردانه، عبدالله را دستگیر کردند و نزد ابن زیاد آوردند. پسر مرجانه که سرمست غرور شده بود پس از گفت‌وگویی کوتاه، او را تهدید به کشتن کرد.

اما عبدالله بن عفیف آن مرد آزاده و عزتمدار چنین پاسخ داد:

«خدا را بر این نعمت سپاس می‌گویم. من سال‌ها پیش از آنکه مادرت تو را بزاید از خداوند خواسته بودم که شهادت را روزیم کند و نیز خواسته بودم شهادتم به دست ملعون‌ترین و مبغوض‌ترین خلایق باشد. اما هنگامی‌که چشمانم را از دست دادم، از شهادت نومید شدم. اینک خدا را شکر می‌کنم که پس از مأیوس شدن، آن را روزیم کرد و دعای گذشته‌ام را اجابت فرمود.»

و سرانجام سعادت به روی عبدالله آغوش گشود و به فرمان پسر مرجانه به شهادت رسید. آری شهادت به دست پست‌ترین و مبغوض‌ترین خلایق، در حقیقت اقتدا به شهید محراب، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. و این نکته در شهادت سردار سلیمانی، ابومهدی و همراهانشان نیز جاری است که آن سعادتمندان به دست شقی‌ترین فرد به وصال محبوب رسیدند. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، دیگر بار همین حادثه تکرار شد. سرداران و دانشمندان عزیز و نخبه کشور به همراه بیش از هزار نفر از بهترین فرزندان این مرز و بوم از کودک دو ماهه تا زن و مرد و پیر و جوان، بیگناه و معصوم پرپر شدند و به دست کثیف‌ترین و جنایتکارترین افراد به شهادت رسیدند. پیوسته از مأذنه‌ها این ندای ربانی به گوش می‌رسد که بِأیِّ ذَنب قُتِلَت...

آیا در عصر ما پلیدتر و جنایتکارتر از ترامپ و نتانیاهو بر کره خاکی وجود دارد؟

کیهان بررسی کرد

فرار به جلوی بانیان برجام درباره مکانیسم ماشه

سرویس سیاسی-

برجام قرار بود تحریم‌ها را لغو کند و سایه جنگ را به ادعای بانیانش از سر کشور دور سازد؛ اما امروز، در حالی که قطعنامه ۲۲۳۱ همچنان فعال است و بانیان برجام مردم را از بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت می‌ترسانند، واقعیت چیز دیگری است: تحریم‌ها به شدیدترین سطح خود رسیده و جنگی که وعده داده بودند با برجام هرگز اتفاق نخواهد افتاد، بر کشور تحمیل شده است. این تناقض آشکار، شکست بزرگ‌ترین ادعای دیپلماتیک تاریخ معاصر ایران و رسوایی نهائی بانیان توافقی است که قرار بود کلید گشایش باشد اما به قفل بحران بدل شد.

در حالی که دهمین سالگرد برجام، به فرصتی برای بازخوانی خسارت‌های محض این توافق تبدیل شده است، بانیان آن – از حسن روحانی و محمدجواد ظریف گرفته تا سایر مدعیان تسلط بر دیپلماسی – به‌جای پاسخگویی به سیل سؤالات افکار عمومی درباره آثار واقعی برجام و تهدید مکانیزم ماشه، با فراری رو به جلو در حال حمله به دولت‌های مسئولین پیش از خود در دولت نهم و دهم و تکرار ادعاهای نخ‌نما شده خود درباره قطعنامه‌های شورای امنیت هستند؛ ادعاهایی که تجربه عینی اقتصاد ایران و مقایسه عملکرد دولت‌ها، آنها را به دروغ‌های بزرگ تاریخی بدل کرده است.

فرار از پاسخ، حمله به گذشته!

در ماه‌های اخیر و همزمان با اوج‌گیری بحث‌ها درباره مکانیزم ماشه و نقش مستقیم آن در فشارهای اخیر علیه کشور، روحانی و ظریف به‌جای ارائه پاسخی شفاف درباره «شاهکار برجام»، ترجیح داده‌اند با فرافکنی و تکرار اتهامات قدیمی علیه مسئولین پیشتر از خود، فضای اذهان عمومی را منحرف کنند. این در حالی است که خود آنان زمانی مدعی بودند عامل اصلی فشارهای اقتصادی، نه تحریم‌های آمریکا بلکه همان قطعنامه‌های شورای امنیت است. امروز اما تجربه نشان داده است که این ادعا چیزی جز یک اشتباه محاسباتی فاحش نبوده است.

آنچه بانیان برجام در تمام این سال‌ها از گفتنش طفره رفته‌اند، همین واقعیت ساده اما کلیدی است؛ دولت یازدهم و دوازدهم نه‌تنها هیچ ابتکاری برای بی‌اثر کردن تحریم‌های ثانویه آمریکا نداشت، بلکه با کنارگذاشتن تمامی منافذ تعامل اقتصادی با جهان غیر غربی، عملاً کشور را به گروگان اراده واشنگتن تبدیل کرد. در حالی که تجربه سال‌های پیش از برجام نشان داده بود استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های قدرت‌های نوظهور و کشورهای منطقه می‌تواند بخش بزرگی از فشارهای تحریمی را خنثی کند، روحانی و ظریف تمام تمرکز خود را بر «رضایت غرب» و گرفتن لبخند از چند دیپلمات اروپایی و آمریکایی گذاشتند.

جالب آنکه همین طیف، امروز نیز همچنان به همان روایت دروغین خود پافشاری می‌کنند؛ روایتی که می‌گوید گویا اگر شش قطعنامه شورای امنیت لغو نمی‌شد، ایران هرگز نمی‌توانست از فشار اقتصادی عبور کند! در حالی که فروش نفت ایران در اوج فشارهای قطعنامه ۱۹۲۹ و در سالیان پایانی دولت دهم هرگز به زیر یک میلیون بشکه سقوط نکرده بود، اما در دوره‌ای که همین افراد مدعی لغو همه قطعنامه‌ها به واسطه قطعنامه ۲۲۳۱ بودند، صادرات نفت به زیر ۲۰۰ هزار بشکه رسید. این واقعیت تاریخی به‌تنهائی برای رسوا کردن همه توجیهات و دروغ‌پردازی‌هایشان کافی است.

اما بانیان برجام هیچ پاسخی برای این تضاد آشکار ندارند و به‌جای پاسخگویی، ترجیح می‌دهند با حمله به دولت‌های پیشین و متهم کردن آنان به «تشدید فشار شورای امنیت»، صورت مسئله را پاک کنند. آنان حتی جرأت ندارند به این پرسش کلیدی پاسخ دهند که چه کسانی با عقب‌نشینی‌های پیاپی و اعتمادسازی‌های بی‌حاصل در مذاکرات پایان دولت اصلاحات، هفت قطعنامه شورای حکام را دریافت کردند و مسیر ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را هموار کردند؟ پاسخ این سؤال نیز برای آنان خوشایند نیست، چراکه تمام ادعاهای امروزشان درباره فشار شورای امنیت را باطل می‌کند.

امروز نیز همان فرمول شکست‌خورده با کمی تغییر در حال تکرار است. مکانیزم ماشه – همان آخرین تله‌ای که از دل برجام بیرون آمد – حالا دوباره به تهدیدی بالفعل علیه کشور تبدیل شده است و باز هم همان چهره‌ها، با لحنی تهدیدآمیز و پرطمطراق تلاش می‌کنند تصمیم‌گیران کشور را بترسانند؛ گویی دوباره قرار است کشور به پای همان توافق خسارت‌بار قربانی شود.

رکورد تاریخی سقوط فروش نفت سکوت بانیان برجام

بانیان برجام همچنان با پافشاری بر اشتباهات گذشته، اصرار دارند که ۶ قطعنامه شورای امنیت را عامل اصلی مشکلات اقتصادی معرفی کنند. اما سؤال ساده‌ای که آنها از پاسخ به آن فرار می‌کنند این است: اگر قطعنامه‌های شورای امنیت چنین اثر جادویی داشت، چرا در زمان اجرای برجام و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ - که قرار بود همه تحریم‌ها را لغو کند - فروش نفت ایران به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه رسید؟

مقایسه دقیق عملکرد اقتصادی ایران در زمان قطعنامه ۱۹۲۹ و ۲۲۳۱ پاسخ این سؤال را روشن می‌کند؛ در زمان اجرای قطعنامه ۱۹۲۹، فروش نفت ایران هرگز به زیر یک میلیون بشکه نرسید و اقتصاد کشور در وضعیت به‌مراتب بهتری نسبت به پایان دولت روحانی بود. این مقایسه، دروغ‌های بزرگ برجامی‌ها را رسوا می‌سازد.

برجامی‌ها مدعی بودند با لغو شش قطعنامه شورای امنیت و صدور قطعنامه ۲۲۳۱، ایران وارد دوران شکوفایی اقتصادی خواهد شد. اما واقعیت این بود که در پایان دولت اوباما و آغاز دوره ترامپ - زمانی که هیچ قطعنامه تحریمی شورای امنیت فعال نبود - فروش نفت ایران به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه سقوط کرد. علت اصلی این موضوع، نه قطعنامه‌ها بلکه مدیریت ضعیف دولت دوازدهم، وابستگی افراطی به غرب و بی‌توجهی به ظرفیت‌های جهان غیرغربی بود. نتیجه این سوءمدیریت، تحویل یک اقتصاد نیمه‌جان و بحرانی به دولت سیزدهم در مرداد ۱۴۰۰ بود.

قطعنامه‌ها حتی کاغذپاره هم نبودند!

امروز که مکانیزم ماشه - آخرین ترکش برجامی که هفت سال پیش مرده بود - دوباره علیه ایران به تهدید تبدیل شده است، همان بانیان برجام، سکوتی معنادار پیشه کرده‌اند. آنها اکنون نیز در تلاش‌اند نقش غربی‌ها را ایفا کرده و با ترساندن تصمیم‌گیران از همین «شاهکار» خود، راه را برای فشارهای جدید باز کنند. این در حالی است که پیش از برجام نه جنگی بر ایران تحمیل شد و نه تحریم‌ها به شدت امروز بود.

واقعیت آشکار شده در تجربه برجام این است که قطعنامه‌های شورای امنیت حتی کمتر از یک «کاغذپاره» بودند. همان‌طور که قطعنامه ۲۲۳۱ هیچ تأثیری در کاهش تحریم‌ها نداشت، مکانیزم ماشه نیز چیزی جز یک ابزار روانی برای فشار نیست. این برجام بود که با بستن دست ایران و واگذاری اهرم‌های قدرت به دشمن، شرایط تحریم‌های ثانویه را تشدید کرد و اقتصاد کشور را تا مرز فروپاشی کشاند.

فرار تا کِی؟

فرار رو به جلوی بانیان برجام و تلاش برای فرافکنی با حمله به دولت‌های گذشته، واقعیت‌های تلخ این توافق خسارت‌بار را تغییر نمی‌دهد. مردم امروز به‌روشنی می‌بینند که چه کسانی با یک خوش‌بینی کودکانه به غرب، اقتصاد ایران را در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا بی‌دفاع گذاشتند و حالا با فرار از پاسخگویی، در حال نوشتن فصل تازه‌ای از همان اشتباهاتند. تاریخ، درباره این فرارهای مکرر قضاوت خواهد کرد.

برجام؛ وعده لغو تحریم و دور کردن سایه جنگ یا دعوتنامه فشار و تهدید؟

برجام با این ادعا امضا شد که تحریم‌ها لغو و سایه جنگ از سر کشور برداشته شود؛ ادعایی که سال‌ها از زبان بانیان آن به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد تکرار شد. اما امروز، ده سال پس از آن توافق، واقعیت خلاف این تبلیغات را نشان می‌دهد.

در حالی که هنوز هم برجامی‌ها با ترفندهای روانی سعی در ترساندن مردم و تصمیم‌گیران از قطعنامه‌های شورای امنیت دارند، شرایط واقعی کشور گواهی روشن بر شکست این ادعاست.

نه تنها تحریم‌ها لغو نشد، بلکه امروز سطح تحریم‌ها نسبت به پیش از برجام در اوج تاریخی خود قرار دارد.

نه تنها جنگی به ادعای برجامی‌ها دور نشد، بلکه در حالی که قطعنامه ۲۲۳۱ – همان سند حقوقی برجام – همچنان فعال است، جنگ بر کشور تحمیل شد. این تناقض آشکار، نشان می‌دهد که برجام نه تنها اهرم فشارهای غرب را از بین نبرد، بلکه با محدود کردن دست ایران و خالی کردن سفره قدرت چانه‌زنی کشور، زمینه تشدید تحریم‌ها و تهدید نظامی را نیز فراهم کرد.

بانیان برجام اما همچنان با سکوتی معنادار و فرافکنی‌های مکرر، از پاسخ به این سؤال ساده طفره می‌روند: اگر برجام برای لغو تحریم‌ها و دور کردن سایه جنگ بود، چرا امروز در اوج اجرای قطعنامه ۲۲۳۱، هم تحریم‌ها تشدید شده و هم جنگ بر کشور تحمیل شده است؟

سازنده F-۳۵، شاهد ایرانی را کپی کرد

وزارت دفاع آمریکا اخیراً پهپاد جدیدی به نام «LUCAS» را رونمایی کرده که شباهت‌های چشمگیری به پهپاد ایرانی شاهد-۱۳۶ دارد. این پهپاد که توسط سازنده جنگنده پیشرفته F-۳۵ طراحی شده، نمونه‌ای از کپی‌برداری آشکار از فناوری پهپاد انتحاری ایران است.

وزارت دفاع آمریکا از پهپاد جنگی جدید و کم‌هزینه‌ای به نام «LUCAS» رونمایی کرد.

این پهپاد با هدف تقویت توان هوائی در نبردهای مدرن و ارائه گزینه‌ای اقتصادی توسعه یافته است و وزیر دفاع آمریکا، پیت هگزث، چهارشنبه گذشته در نمایشگاهی در حیاط پنتاگون از این پهپاد بازدید کرد.

پس از رونمایی این پهپاد، بسیاری از کارشناسان و متخصصان حوزه هوافضا گفتند که از نظر ظاهری و ابعاد، کاملاً مشابه پهپاد شاهد-۱۳۶ ایران طراحی شده است.

یکی از نکات جالب رونمایی از پهپاد لوکاس چهره وزیر دفاع آمریکا و همراهانش است که تردید عمیقی نسبت به تعاریف عملکرد این پهپاد دارند.

طراحی این پهپاد کاملاً مشابه با شاهد ۱۳۶ ایرانی پس از آن صورت گرفت که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از هزینه تولید پهپادهای آمریکایی انتقاد کرده بود و گفته بود که؛ «پهپادهای آمریکایی با قیمت بسیار بالایی تولید می‌شوند، در حالی که نمونه‌های مشابه ایرانی با کسری از هزینه قابلیت‌های مشابه دارند، ترامپ این تفاوت را ۳۵ تا ۴۰ هزار دلار در مقابل هزینه‌های میلیونی نمونه‌های آمریکایی ارزیابی کرد.»

پهپاد LUCAS دارای ساختاری دلتا شکل با موتور پیستونی در بخش عقب است. طول آن حدود ۳ متر بوده و دهانه بال آن بین ۲/۵ تا ۳ متر است که بسیار شبیه به پهپاد ایرانی شاهد- ۱۳۶ طراحی شده است.

وزن برخاست این پهپاد کمتر از ۶۰۰ کیلوگرم است. سرعت کروز آن حدود ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت و حداکثر سرعت پروازش تا ۱۸۵ کیلومتر بر ساعت می‌رسد. برد عملیاتی LUCAS نیز حدود ۲۰۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود، که این عدد نیز از نمونه ایرانی الهام گرفته شده است.

این پهپاد توانایی حمل حدود ۱۸ کیلوگرم محموله را دارد که می‌تواند شامل مواد منفجره یا تجهیزات شناسایی باشد.

از ویژگی‌های مهم LUCAS توانایی پرواز گروهی (Swarm) و اجرای عملیات خودمختار است. همچنین؛ از سیستم‌های الکترونیکی پیشرفته برای کنترل از راه دور یا خودکار برخوردار است.

یکی از نکات کلیدی در توسعه این پهپاد، هزینه پایین تولید آن نسبت به پهپادهای گران‌قیمت آمریکایی است؛ قیمت تقریبی آن حدود ۱۰۰ هزار دلار تخمین زده می‌شود که در مقایسه با هزینه چند میلیونی پهپادهای سنگین‌تر آمریکا بسیار مقرون‌به‌صرفه است.

پهپاد ایرانی شاهد- ۱۳۶ یک پهپاد انتحاری، کم‌هزینه و دوربرد است که با طول ۳.۵ متر، دهانه بال ۲.۵ متر و وزن حدود ۲۴۰ کیلوگرم طراحی شده است.

این پهپاد با موتور پیستونی، سرعتی حدود ۲۸۰ کیلومتر بر ساعت و بردی بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر دارد. این پرنده، قادر به حمل ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم مواد منفجره بوده و با سیستم هدایت GPS و INS عمل می‌کند.

نوع دیگری از این پهپاد با نام شاهد B۱۳۶ توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رژه ۳۱ شهریور رونمایی شد. این سامانه پهپادی با موتور توربوجت برد ۴۰۰۰ کیلومتر قادر است اهداف مدنظر را منهدم کند.

شاهد- ۱۳۶ از روی ریل با بوستر موشکی پرتاب می‌شود و به دلیل قیمت پایین و قابلیت حمله گروهی(Swarm)، برای حملات انتحاری و هدف قرار دادن تأسیسات نظامی و زیرساخت‌ها به‌کار می‌رود.

این پهپاد بارها در عملیات‌های مختلف علیه دشمنان به ویژه وعده صادق ۳ نیز مورد استفاده قرار گرفته است. البته این پهپاد به همراه پهپاد شاهد - ۱۳۱ در جریان رزمایش پیامبر اعظم (ص) ۱۷ نیز نقش پررنگی در تمرین حمله به شبیه‌ساز نیروگاه اتمی دیمونا داشتند و در این تمرین، دقت بالای خود را به نمایش گذاشتند.

چرا سازنده F-۳۵ و B-۲ سلاح ایرانی را کپی می‌کند؟

کارآمدی و اثبات‌شده بودن طراحی، کاهش هزینه‌ها، تحلیل و مقابله با تهدیدات و سرعت در توسعه فناوری را می‌توان علل محوری این اقدام دانست.

کارآمدی و اثبات‌شده بودن طراحی: پهپاد شاهد- ۱۳۶ در میادین نبرد واقعی عملکرد خوبی داشته و از نظر هزینه نسبت به پهپادهای پیشرفته‌تر بسیار مقرون‌به‌صرفه است. بنابراین کپی یا الهام‌گیری از این طراحی، سریع‌تر و اقتصادی‌تر به یک محصول کاربردی می‌رسد.

کاهش هزینه‌ها: طراحی‌های ایرانی در زمینه پهپاد و موشک به خاطر تحریم‌ها مجبور به ساده‌سازی و بهینه‌سازی هستند که نتیجه‌اش سیستم‌هایی کم‌هزینه ولی مؤثر است. این ویژگی برای آمریکا که دنبال پهپادهای انبوه و کم‌هزینه است، جذاب است.

تحلیل و مقابله با تهدیدات: شناخت و الگوبرداری از فناوری‌های رقیب به آمریکا کمک می‌کند تا بهتر تهدیدات بالقوه را بشناسد و در مواقع لازم از این فناوری‌ها استفاده کند یا روش‌های مقابله با آن‌ها را توسعه دهد.

سرعت در توسعه فناوری: توسعه یک پهپاد جدید از صفر، زمان‌بر و پرهزینه است. استفاده از طراحی‌های موجود که در میدان جنگ آزمایش شده‌اند، می‌تواند روند توسعه را تسریع کند.

در کل، این حرکت بیشتر ناشی از واقع‌گرایی است؛ وقتی یک فناوری اثربخش و مقرون‌به‌صرفه وجود دارد، چه بهتر که از آن الهام گرفت تا اینکه از ابتدا همه چیز را بسازی. البته این موضوع در سطح سیاست و جنگ‌های نرم هم معنای رقابت و اثرگذاری فناوری را دارد.

شاهد – ۱۳۶ یک سر و گردن بالاتر از لوکاس نورسیده

با توجه به اینکه ایران نسخه‌های پیشرفته‌تر و دقیق‌تری از پهپاد شاهد - ۱۳۶ را با برد و توانمندی‌های بیشتر تولید و عملیاتی کرده است، این پهپاد در میدان نبرد واقعی به مرحله بلوغ عملیاتی رسیده و اثربخشی خود را در انجام حملات گسترده، تحمیل هزینه بر پدافند دشمن و ایجاد بازدارندگی به خوبی نشان داده است.

در مقابل، پهپاد آمریکایی LUCAS گرچه از نظر طراحی ماژولار، قابلیت‌های چندمنظوره و هماهنگی با شبکه‌های هوشمند پیشرفته‌تر است، اما هنوز در مرحله آزمایشی و نمایشی قرار دارد و تجربه عملیاتی ندارد.

بنابراین، با توجه به اثبات عملکرد میدانی، قیمت بسیار پایین‌تر، قدرت تخریب بالاتر و امکان تولید انبوه، شاهد - ۱۳۶ و نسخه‌های جدیدتر آن همچنان به عنوان گزینه‌ای قدرتمندتر و موثرتر در میدان‌های نبرد واقعی باقی می‌مانند.

در بیانیه اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور مطرح شد

تأکید مدیران حوزه‌های علمیه بر حمایت تام از نظام اسلامی و رهبر حکیم انقلاب و تجلیل از حماسه‌آفرینی ملت ایران

بقیه از صفحه۳

رسالت حوزه‌های علمیه

حوزه‌های علمیه، به عنوان میراث‌داران مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، با درک اهمیت این پیروزی بزرگ، وظایف خطیری را بر عهده گرفته‌اند:

- جهاد علمی و فرهنگی با تولید محتوا و تبیین درست و بهنگام وقایع و بیدارسازی و هشدار نسبت به کید دشمن در آسیب به کیان ایران اسلامی؛

- تقویت وحدت ملی، تأکید بر انسجام امت اسلامی حول محور ولایت فقیه و ترسیم صحیح و شفاف مرزبندی با دشمنان ملک و ملت؛

- مقابله با جنگ نرم دشمن و روشنگری در برابر تبلیغات سوء استکبار و صهیونیسم جهانی و افشای توطئه‌ها و تهاجمات فکری و فرهنگی و مرزبانی از مرزهای اندیشه و باور ایران اسلامی؛

- تربیت نیروهای مخلص و انقلابی و پرورش طلاب و مبلغانی که بتوانند در خدمت به جامعه، نظام اسلامی و عرصه‌های بین‌المللی از حریم اسلام و انقلاب دفاع و در زمینه بیدارگری و احیای اندیشه جهانیان و اعتلای کلمه توحید در دنیای معاصر گام‌های مؤثری بردارند.

راهبردهای آینده

نهاد حوزه و روحانیت با درک ضرورت‌ها و اقتضائات امروز و فردای ایران اسلامی و این مرز و بوم پرگوهر، شورانگیز و ولایت‌مدار، ضمن گردهم‌آیی ارزشمندی با حضور فقهای معظم شورای عالی، مدیریت معزز حوزه‌های علمیه، معاونان و مدیران ستادی، مدیران استانی و مدیریت‌های مدارس علمیه سراسر کشور در کنار مضجع نورانی امام رئوف علیه آلاف التحیه و الثناء، ضمن تجدید عهد و میثاق با مقام معظم رهبری و دعا و توسل برای عزت و سربلندی نظام اسلامی و ملت شریف ایران، مردم، مسئولان مجاهد و همه کارگزاران و نظام اسلامی را به توجه به اصول زیر فرا می‌خواند:

۱. ملت غیور ایران همان‌گونه که به فضل الهی تا امروز در صحنه حاضر بوده و باطل‌السحر خیالات شوم دشمنان این مرز و بوم گشته است، با حفظ وحدت و اعتماد به مسئولان و ارکان نظام اسلامی و بر مدار رهبری معظم، دشمن را ناامید و او را از هر تعرض و فکر باطلی مأیوس خواهد نمود؛

۲. مسئولان نظام با خدمت‌گزاری صادقانه و پاسخگویی به مطالبات به‌حق مردم، پشتیبان واقعی این حماسه و دستاورد بزرگ ملی باشند؛

۳. نخبگان و فرهیختگان با تولید اندیشه، ادبیات، گفتمان و هنر انقلابی، پیام این پیروزی ستودنی و گرانسنگ و مقاومت ایران مقتدر در برابر اسرائیل و آمریکای جنایتکار و همه حامیان جبهه ظلم و استکبار را به فراخور مخاطبان ملی و بین‌المللی بسط و گسترش دهند و خط تحریف و تزویر و سانسور دشمن را درهم شکنند؛

۴. اصحاب رسانه، صاحبان کرسی منبر و خطابه شایسته است تا با تفکیک دقیق بین تضعیف و مطالبه‌گری مفید و به‌هنگام، از هر اقدامی که به تخریب و سیاه‌نمایی و ناامید سازی و یا تفرقه در بین صفوف مستحکم مردم و کارگزاران نظام اسلامی می‌انجامد، پرهیز کرده و از این همدلی عظیم ملی و تجلی نورانی گفتمان شجاعت، شهادت‌طلبی، حب وطن و استکبارستیزی با محوریت ولایت و رهبری صیانت و محافظت نمایند؛

۵. با توجه به اینکه سال جاری قمری مصادف است با هزار و پانصدمین سالگرد میلاد مبارک حضرت رسول اکرم (ص)، لازم است نهادهای ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی و سایر نهادهای دینی همسو در جهان در مسیر معرفی چهره و سیره تابناک پیامبر رحمت به عنوان حلقه اتصال همه مذاهب اسلامی و موضوع تفاهم و گفت‌وگوی ادیان توحیدی از هیچ تلاشی دریغ نورزند و حوزه علمیه نیز به سهم خود در تحقق این رسالت سترگ و دفاع از مظلومان و بی‌پناهان جهان در برابر زیاده‌خواهان و زورگویان خواهد کوشید.

وعده قطعی الهی

«وَ کَانَ حَقًّا عَلَیْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ» (سوره روم، آیه ۴۷). این وعده خداوند است و ما بر این باوریم که با استمرار ایمان، وحدت و اطاعت از ولایت، نصرت الهی همیشه همراه این ملت خواهد بود. حوزه‌های علمیه، در کنار امت شهیدپرور ایران، تا تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تا ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج)، استوار، پرتلاش و جان‌فدای این مکتب، ملت و وطن خواهد بود بفضله و مَنّه، إن شاءِ الله.

«و آخر دعوانا أن الْحَمْدُ لله رَبّ الْعَالَمِینَ»

«وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبُونَ» (سوره